



## شعبان بی مخ و فرار مغزها

مغز چیز خوبی است و احدالناسی در حقیقت این مسأله شک و شبهه ای ندارد. مگر این که از ناحیه همین مغز مورد نظر مشکل داشته باشد که باید بالکل و بندوش عوض شود. چنان که به یک بنده خدایی گفتند: «باقالی نخور که برای عقلت ضرر داره»، در جواب گفت: «او هو!... اصلنم اینتجوریا که میگی نیست. من خودم حتی خونه و زندگیمو فروختم باقالی خریدم خوردم؛ و الحمدلله سر و مرو گنده ام و هیچ اتفاقی برام نیفتاده!»

وقتی عقل باشد، تمامی امور انسان روی غلتک می افتد و کمتر به جاده خاکی می زند؛ مگر این که باد لاستیک عقلش کم باشد. به خاطر همین اهمیت موضوع است که به پدیده فرار مغزها معمولاً به عنوان یک پدیده نامیمون نگاه می شود و هر کس باید دو دستی مغزش را بچسبید که در نرود. در برود، رفته است!

### در فرار مغزها:

در رفتن عقل از بدن، گویند هر نوعی سخن من خود به نقل از ایستا، دیدم که جانم می رود پدیده فرار مغزها در هر کشوری هست. الان مثلاً خیلی از مغزهای برخی کشورها همانند افغانستان و ونزوئلا و امثال ذالک، از کشورشان در رفتند آمدند مملکت ما و بعضاً حتی در کار گل وارد شده اند... در کار گلاب و گل، حکم ازلی بود. و متقابلاً تک و توکی هم از کشور ما به قصاد ادامه تحصیلات به دیگر کشورها رفته اند که ان شاء الله همه شان دست پر برمی گردند؛ مملکت خودشان را آباد می کنند. الحمدلله سیاست دولت کنونی نیز بر جذب هر چه بیشتر تخبه هاست. شنیدم که مثل ادارات، حق جذب هم می دهند.

### در حق جذب:

مرا جذب خودت کن عاقلانه فراری ام مده از توی خانه فرار مغزها چیز بدی هست لهدذا مانده ام در آشیانه وقتی که عاقلان که به فرموده حضرت حافظ «نقطه» پرگار وجودند؛ از معر که فاصله بگیرند؛ خدای نکرده ممکن است میدان به دست کم عقلانی بیفتد که بعضاً فرق بین هر هر و خر خر نامی دانند. در همین راستاست که آقای دری نجف آبادی، دادستان کل سابق کشور، صراحتاً هشدار داده است که: «نباید اجازه دهیم تا شعبان بی مخ ها میدان داری جامعه را به دست گیرند و مردم را تحریک کنند تا برای جامعه در درس ساز شوند.»

### بسته پیشنهادی:

برای جلوگیری از ورود شعبان بی مخ های احتمالی به برخی از جریانات، ناچار از ارائه راهکارهای اسطفس داری هستیم که مو لای درزشان نرود. راهکارها را عرض می کنیم:

**۱- عبور از زیر گیت:** استفاده از مظاهر تکنولوژی در جهت مقاصد خوب خودمان یک امر شایسته است. فلذا

شایسته است که در هر اداره و مرکز و نهادی، یک گیت بازرسی نصب کنیم که به عقل حساس باشد و چنانچه وارد شونده ای در این زمینه کم داشت، آژیر بکشد یا به هر حال یک صدایی چیزی از خودش صادر کند. مقوله صادرات همیشه مورد تاکید بوده است.

**۲- مصاحبه حضوری:** افراد را روی یک صندلی مقابل خود بنشانیم و از آنها بخواهیم که ظرف مثلاً دو دقیقه بگویند که عقل چیست؟... و یا مثلاً علم بهتر است یا ثروت؟... از دواج دوم خوب است یا بد؟... و سوالاتی از این دست که می تواند در شناسایی افراد عاقلتر کمک حال باشد.

**۳- نشان دادن مار:** ناغافل از پشت سرمان یک مار در بیابوریم و به شکلی که طرف جانخورد و قالب تهی نکند، به همراه کلمه مار نوشته شده بر روی یک کاغذ نشان وی بدهیم و صمیمانه اما ناغافل از او بخواهیم که بگوید کدام یک از این دو مورد مذکور، صورت اصلی مار می باشد؟... این تست خیلی حساس است و معمولاً ردخور ندارد. آمار هم همین را نشان می دهد. اسنادش در پوشه مار و آمار بایگانی موجود است.

**۴- ارائه چپستان:** یک آدم عاقل به خوبی از پس یک معمای مطرح شده برمی آید. حالا فوقش با مشاوران اطرافش مشورت می کند. شور و مشورت چیز بدی نیست. یک تخم مرغ را در مشتت پنهان کنید و از افراد بخواهید که بگویند داخل مشتت چپ هست. خودتان قبیلش خوب نگاهش کنید که فراموش نکنید چپ هست. این طوری راهنمایی شان کنید که دورش سفید و وسطش زرد است. اگر کسی گفت که مثلاً یک شلغم است که وسطش یک هویج گذاشتند؛ به طور قطع بدانید که یک چیز پیش می شود و یحتمل کم دارد. کم او و کرم شما!

## مسافر بر نمای مسافر کش!

این طور نیست که هر چی امکانات است، توی تهران است. نخیر؛ اشکالات و مخاطرات هم زیاد است. اولیش این که کلنا جمعین، همه مان روی گسل هستیم. دوم این که روی همین گسل های معروف - که از غم بی حرکتی افسرده است - وقتی که می خواهیم از یک نقطه گسل به نقطه ای دیگر از آن برویم؛ مجبوریم سوار تاکسی شویم. تاکسی سوار شدن و پیاده شدن اشکالی ندارد؛ اشکال قضیه در اینجاست که برخی افراد فرصت طلب سوذجو که قصد سرکیسه کردن مردم را دارند و اغراض ضد اخلاقی مخوفی در سر می پروراند، بعضاً در قالب یکسری خودوهای مسافر کش شخصی در سطح شهر به تردد می پردازند و هر جا زنان تنهایی می بینند، چون مسافر بر نما هستند، آنها را به عنوان مسافر سوار می کنند و در ادامه راه، به بهانه ای سر فرمان را به سمت یک مسیر فرعی کج می کنند و با کشاندن طعمه های بی گناه خود به یک محل خلوت، گاهی ضمن تعرض به پاره ای از آنها، اقدام به سرقت اموالشان می کنند که روی هم رفته، یک کار پست و پلشت می باشد و ما همینجا آن را شدیداً محکوم می کنیم. کار دیگری از دستمان بر نمی آید جز آن که به رسم معمول خودمان یکسری راهکارهایی پیشنهاد عاجل بدهیم.

**قابل توجه مسافرهای خانم:** این قسمت را آقایان نخوانند؛ می خواهیم دو کلمه با خانمهای محترم خصوصی صحبت کنم. عرضم به حضور انورتان که در جهت کاهش

خطرات ناشی از مسافر بر نماهای ناشی، لازم است که سوار دامنیتی مختلفی را در نظر بگیرید که این افراد نابهنجار، شما را به عنوان طعمه در نظر نگیرند. عجلاتاً این چند راهکار را یک جایی یادداشت بفرمایید تا بعد:

**۱- خوش باور نباشید:** خوش بینی همیشه خوب نیست. شاید طرف خفاش شب باشد. اگر خودرویی که جلو پای شما ترمز می زند غیژ ژژژ... شخصی بود، فوراً سوار آن نشوید. ابتدا سعی نماید باورش کنید. برای این منظور، حدود ۳۰ سؤال تخصص تستی مکتوب در زمینه تاکسی شناسی به او بدهید. اگر توانست از پس سؤالات بر آید، باورش کنید و سوار شوید. اگر هم نه که از شما به خیر و از وی به سلامت.

**۲- هشدارها را جدی بگیرید:** درست است که شما ماشالا هزار ماشالا برای خودتان خانمی شده اید، اما این دلیل نمی شود که هشدارهای امنیتی پلیس را نادیده بگیرید. الان بخش های فرهنگی و آموزشی پلیس، شب و روز مشغول ساخت هشدارهای پلیسی لازم در راستای سوار شدن خانمها به انواع تاکسی هستند. کبرا ۱۱ یکی از این برنامه هاست.

**۳- کلاس کاراته بروید:** اگر خانمها در زمینه حرکات آموزشی و فنون دفاع شخصی، به کردار گرد آفرید شاهنامه، آموزشهای رزمی لازم همچون کاراته و کنگ فو و جودو... و امثالهم را ببینند؛ هیچ مسافر بر نمای بی غیرتی جرأت نمی کند به آنها چپ نگاه کند. چپ نگاه کرد، با یک حرکت بموقع، نقش زمین می شود و ساعت ۹ باید شهرداری بیاید ذرات پخش شده اش را جمع کند.

**۴- تاکسی سوار شوید:** تا اطلاع ثانوی تا می توانید هرگز سوار خودروهای شخصی نشوید. تاکسی های مجاز دارای تابلو و کارت شناسایی و رنگ بدنه مخصوص هستند. فقط زیبایی تاکسی ملاک نیست. حافظ در این ارتباط به نکته ظریفی اشاره کرده است: صد نکته غیر حسن بیاید که «تاکسی» مقبول طبع مردم صاحب نظر شود.

**هاسپری لفل استفاده کنید:** اگر کار از کار گذشت و سوار یک ماشین مسافر کش نامرد نانجیب شدید که قصد جسارت به شما و سرقت اموال شما را داشت؛ از اسپری لفل استفاده کنید. فقط مراقب باشید که سرعت ماشین کم شده یا بی حرکت باشد. این اسپری ها را شاید بشود از طریق خود نیروی انتظامی تهیه کرد. اطلاع دقیقی ندارم. گویا بعضی ها دستشان دیدند.

**سسوار مترو شوئید:** به عوض تاکسی های معلوم الحال شخصی، بهتر است از قطار شهری مترو استفاده کنید. تتر سئید؛ خیلی سیاسی نشده است. رانندگانش هم تماماً قابل اعتماد و اطمینان هستند. هیچ وقت هم تاکنون دیده نشده که راننده ای سر قطار را کج کند از مسیر اصلی منحرف شود. سر و تهش مشخص و معلوم است. مثل خط یک مترو که در حال حاضر از ایستگاه قلهک شروع می شود و به ایستگاه کهریزک ختم می گردد. همانجا که سرای سالمندان معروف است. (روی تابلوهای داخل قطارهای شهری نگاه کنید تا صحت عرایض ما بر شما معلوم شود.) فقط اگر سوار مترو شدید، بلوتوث خود را خاموش کنید. ممکن است آدم ناراحتی به گوشی تلفن همراه شما جسارت کند. همه جا آدم مزاحم و ناراحت هست. مترو هم مستثنی نیست. می گویند نه؛ اسنادش موجود است.